



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

اهمیت و جایگاه صبر و شکر هنگام حوادث و بلاها

(بررسی جلوه‌های صبر و شکر ملت ایران، اهمیت صبر و شکر از منظر آیات قرآن)

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: مهدی ناجی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	□ مقدمه
۱	۱- جایگاه صبر و شکر چیست؟
۱	۲- اهمیت صبر و شکر چیست؟
۲	۳- مصادیق صبر و شکر ملت ایران چیست؟
۳	۴- رابطه صبر و شکر و امید چیست؟
۴	۵- تمایز صبر و شکر چیست؟
۵	۶- چگونه می توان صبر و شکر داشت؟
۵	۷- ایام ... و صبر و شکر چه نسبتی با هم دارند؟
۶	۸- به نظر شما رسانه چگونه صبر و شکر را نمایش دهد؟
۶	□ کلام آخر

□ مقدمه

در کتب آسمانی، گفتار پیامبران و اولیاء خدا و امامان (ع) تأکیدهای فراوانی به صبر و شکر شده است؛ به طوری که صبر و شکر کیمیای کلیدی مشکلات معرفی شده است. در سایه صبر، انسان می‌تواند در عرصه‌های مختلف زندگی رشد کند و به اهداف خویش برسد. با توجه به اینکه کشور ایران اسلامی درگیر حوادثی مانند سیل و زلزله و بیماری اخیر یعنی ویروس کرونا است فرصتی برای تجلی صبر و شکر است تا جامعه ایران اسلامی با خدمت گسترده تر و زمینه سازی برای در دسترس قرار دادن اقلام مورد نیاز برای هموطنان و هموطنان خود گوهر جوانمردی شان صیقل خورد و جای صبر و شکر دارد که نتیجه آن رشد معنوی و انسانی جامعه ایران اسلامی است. در این چارچوب در مصاحبه پژوهشی با **حجت‌الاسلام والمسلمین علی سرلک عضو هیئت علمی دانشگاه هنر، موضوع " جایگاه صبر و شکر "**، را با طرح سؤالات زیر مورد بررسی و واکاوی قرار دادیم.

۱- جایگاه صبر و شکر

نسبت صبر به ایمان، مثل سر برای بدن است.^۱ یعنی اگر کسی مومن باشد و ایمانش را تشبیه به یک پیکر کنیم؛ صبر سر این پیکر می‌شود و مغز این صبر شکر می‌شود. یعنی درون صبر (اگر واقعی باشد)، ظفر شکر^۲ نمودار و نمایان خواهد شد. اما اینکه ما به چیزهای دیگر، مانند سعی و تلاش، اگر بخواهیم دقیق نگاه کنیم؛ یکی از شئون صبر، صبر در سختی‌ها است. یکی از شئون صبر، صبر در انجام وظایف است. یکی از شئون صبر، صبر در ترک آن چیزی است که انجام دادن آن غلط است.

۲- اهمیت صبر و شکر

صبر و شکر مانند ریه برای تنفس است؛ مثل چشم برای دیدن است. شما چشم را در همه جا نیاز دارید، در بازار، در کار، در مطالعه. اینها مفاهیمی در ادبیات دینی هستند اما فقط در حوزه عبادات به کار برده نمی‌شود. صبر و شکر مانند یاد گرفتن شنا، برای کسی که می‌خواهد در آب شیرجه بزند است.^۳ افرادی که غیر شکور، یعنی کفور هستند؛ آدم‌هایی که ناشکیبا یا ناصبور هستند؛ این افراد به شدت به خود لطمه می‌زنند. به خانواده‌شان لطمه می‌زنند. به جامعه‌شان لطمه می‌زنند چقدر آتش‌هایی که از بی‌حوصلگی‌ها برافروخته شده است؛ چقدر پرخاشگری‌ها که از ناشکیبایی‌ها برافروخته شده است. جنگ‌های

۱ - قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكَرَّرَ وَ صَبْرٌ عَلَى مَا تُحِبُّ وَالصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ. (مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، جلد ۱، ص ۲۴)

۲ - پیروزی شکر

۳ - شخص نمی‌تواند بگوید من شنا یاد نمی‌گیرم بعد بگویم می‌خواهم شیرجه بزنم. من می‌خواهم زندگی کنم ولی لزوم ندارد صبر و شکر داشته باشم.

دنیا پایه‌اش ناشکیبایی و عصبانیت است. در یک کلمه صبر و شکر، لازمه حیات انسانی است و این طور نیست که جایی به کار بیاید و جایی به کار نیاید زندگی با اینها معنای خودش را پیدا می‌کند.

۳- مصادیق صبر و شکر ملت ایران

صبر اساسا به معنای با نگاه و منطق خدا به مسائل نگرستن است. از یک ظرفیتی بزرگ‌تر از محاسبات و ظرفیت‌های محدود انسانی خود را برخوردار کردن است. به همین دلیل انسان صابر کسی است که در ابتلائات^۱ درگیر نمی‌شود و به بی حوصلگی و کم طاقتی کارش نمی‌رسد.^۲ با یک نگرش وسیع‌تری به ابتلائات رو می‌آورد؛ و صبر نتیجه‌گیری اوست.^۳ بشارت، فرخی، فرخندگی و فراخی نگاه را اصطلاحا صبر می‌گویند. انسان صبوری که منزلت خودش را در ابتلائات پیدا می‌کند و اتفاقا از قضا می‌بیند که بلاها برای رشد او است. با منطق بندگی از بلاها استقبال می‌کند که این را شکر می‌گویند. یکی از مصادیق شکر، شکر در بلا است که نتیجه صبر است. همه ما یک هویت فردی و یک هویت جمعی (برآیند عمومی) داریم که به اصطلاح قرآنی اسم آن امت است. ملت مومن ایران به ظرفیت‌های بزرگی رسیده است به فاخری و فرخندگی در برابر بسیاری از ابتلائات جمعی رسیده است. یکی از جلوه‌های اصلی صبر، مقاومتی است که ملت ایران برای پیروزی خود انقلاب انجام داد. یعنی پشت سر گذاشتن طاغوت و از میان بردن مظاهر او است.^۴ سپس به ابتلائات بزرگتر بعدی وارد شدیم. جنگ نابرابر و دفاع مقدس، میدان کارزاری بود که به صبر عمومی امت ایران و مردم و ملت ایران جلوه داد. شما ببینید جنگ هشت ساله، جنگ ایران و عراق نبود؛ بلکه یک جنگ جهانی بود. یعنی آن طرف بیش از ۵۰ کشور، با همه ظرفیت‌های گوناگونشان ایستاده بودند؛^۵ صبر ملت ایران، جلوگاه بزرگی از فضیلت جنگی بود که ما داشتیم. جنگ را به فضل خدا، با صبر و بلکه با شکر فائق شدیم و نگذاشتیم دشمن به اهدافش برسد. حتی یک وجب هم از خاک ایران نصیب آنها نشد؛ ما ظفر و پیروزی که در روایات ما وعده صابران است را قبل از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و هم در دفاع مقدس با چشم دیدیم. ابتلائات دیگری هم داشته‌ایم. سیل‌ها، زلزله‌ها، و بعضی از ابتلائات اینچنینی که ملت ایران آن هویت جمعی‌شان را از موضع ربوبیت خداوند متعال به فضیلت صبر نزدیک کردند و صابرانه پای ابتلائات ایستادند. یکی از میدان‌های صبر، درگیر شدن با جریان منحوس داعش در خارج از سرزمین‌هایمان بود. سازمان داعش را به فضل خدا با صبوری فوق‌العاده‌ای در برابر این ابتلا موفق شدیم منهدم کنیم. یکی از صبوری‌هایی که داریم و باید تقویت شود. کیفیت صبر ما، در برابر مشکلات اقتصادی است. بسیاری از مردم این مسائل مادی و اقتصادی و تحریم‌ها و اینها را توانستند با صبر و ظرفیت‌های خوبی از سر بگذرانند؛ اما بعضی‌ها در این عرصه و میدان با نهایت تاسف صبوری نکردند؛ ابتلاء به مال و فقر چون بحث‌های تفاخر و تبرج می‌آید و مزید بر علت می‌شود؛ احساس فقر را گسترش می‌دهد و در مورد احساس فقر تعداد کمی پیش می‌آید که اهل صبوری باشند.

۱ - ابتلاء. [ات] (ع مص) ابتلاء. آزمودن. بیازمودن. آزمایش. امتحان. آزمایش کردن. لغت‌نامه دهخدا.

۲ - الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، کسانی که چون مصیبتی به آنها رسید گفتند: ما از آن خدا هستیم و به او باز می‌گردیم. (بقره، ۱۵۶)

۳ - وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، و بشارت بده به صابران، کسانی که چون مصیبتی به آنها رسید گفتند: ما از آن خدا هستیم و به او باز می‌گردیم. (بقره، ۱۵۶)

۴ - در روایات است که مومن هرچقدر ایمانش قوی شود؛ بلا هم به همان میزان وسعت می‌گیرد.

۵ - ظرفیت‌های لجستیکی، مالی، نظامی، جاسوسی و رسانه‌ای.

۴- رابطه صبر و شکر و امید

انسان به فکر زنده است.^۱ پیغمبر خدا(ص) فرمودند: من از فقر بر مردم نمی‌ترسم؛ ولی از سوء تدبیر برای آنها می‌ترسم. اگر درست نفهمیم؛ درست تحلیل نکنیم و بررسی درست نداشته باشیم؛ خودش پایه مشکلات و اشکالات است. در ربوبیت خداوند متعال، ابتلائات قطعی است؛ و فرجام صبوری در برابر این ابتلائات، ظفرها^۲ و شراح صدرها^۳ و موفقیت‌های میدانی و اجتماعی است. به نتایج صبر و مقاومت فکر کنیم. به نتایج جزع^۴ و فزع^۵ و ناامیدی و خستگی و پریشانی فکر کنیم. خود این نگاه بلند که در روایات ما است؛ اگر کسی در مشکلات جزع کند؛ اجری نبرده است اما صابر ماجور^۶ است. اگر کسی برایش مشکلی پیش بیاید و زبان به گلایه بگشاید؛ بی‌تابی کند و تاب‌آوری پایینی داشته باشد؛ آیا مشکلش حل می‌شود؟ قطعاً حل نمی‌شود. بلکه مشکلی به مشکلاتش اضافه خواهد شد. مثلاً اگر کسی اتومبیلش تصادف کند یا شیء گران قیمتی را گم کند. یا فرزندش مریض شود؛ یا کشورش مورد هجوم قرار گیرد؛ یا بیماری صعب‌العلاجی بگیرد؛ آیا جزع و فزع او، ناامیدی او، مشکل را حل می‌کند یا حل نمی‌کند. آدم‌های پرخاشگر و عصبانی، آیا پرخاشگری سبب پشیمانی نمی‌شود. کسی که در حالت عصبانی تصمیم می‌گیرد و اقدام می‌کند. پشیمانی بلافاصله از راه خواهد رسید. وقتی آن عصبانیت فروکش می‌کند. واقعا ما با صبر و نه با ناامیدی پیروز هستیم؛ نکته بعدی که کمک می‌کند آینده را روشن ببینیم این است که به گذشته موفقیت‌ها و شکست‌های مان نگاه کنیم؛ هر کجا موفقیتی داشتیم؛ مثلاً ورزشکاران ما، آیا بر سکو ایستادن آنها، گردن آویزهای افتخارآمیز پیدا کردن آنها، آیا اینها محصول صبر است یا محصول کم‌حوصلگی و بی‌حوصلگی و ناامیدی است؛ خدای بزرگ یکی از گناهان بزرگ را ناامیدی قرار داده است. ناامیدی بالاترین گناه است. ناامیدی ما را از درون به بن بست می‌کشد. انسان موجودی است که می‌تواند راه بسازد؛ راه پیدا کند. و اگر به این ظرفیت‌ها توجه کنیم. این جمع‌بندی‌های اشتباهی که بعضی‌ها می‌کنند و بر اساس آن زندگی خودشان را تباه می‌کنند؛ آن جمع‌بندی‌ها را نخواهیم رسید. واقعا زندگی آدم‌های موفق را ببینید؛ اینها محصول شکیبایی است. تعدادی که به موفقیت‌های بزرگی رسیده‌اند؛ در اثر صبوری‌ها بوده است. بررسی آدم‌های موفق یا کشورهای موفق یا مجموعه‌هایی که توفیقات بزرگی داشته‌اند. واقعا عنصر شکیبایی و ظرفیت‌های بزرگ در برخورد با ناکامی‌ها را به ما تاکید و نشان می‌دهد. به تعبیر مولوی^۷، دانه گندم تا سردی و تاریکی زمین را تحمل نکند؛ تبدیل به خوشه نمی‌شود و آن خوشه تا سنگینی سنگ آسیا را تحمل نکند؛ آرد نمی‌شود و آن آرد تا آتش تنور را تحمل نکند؛ نان نمی‌شود و آن نان تا فشار دندان و جویده شدن را تحمل نکند، جان نمی‌شود. جان تا دشواری‌ها را تحمل نکند جانان نمی‌شود. اینکه قرآن می‌فرماید: ما انسان را در رنج آفریدیم.^۸ مفهوم رنج در اینجا، یک فرصت رشد است. امکان حرکت است؛ اگر ما

۱ - رسول الله صلی الله علیه و آله: ما أخافُ علی امتی الفقر؛ ولكن أخافُ علیهم سوء التدبیر، گزیده حکمت نامه پیامبر اعظم، کتابخانه دیجیتال نور، ص ۲۹۳.

۲ - پیروزی‌ها

۳ - شرح صدر: تحمل و مدارای بسیار در مسئولیت‌های سنگین و دشوار، سایت واژه یاب.

۴ - جَزَعٌ: جَزَعًا و جَزُوعًا منه: بر فقدان او نتوانست صبر کند لذا غم و اندوه خود را آشکار کرد. سایت المعانی.

۵ - فزع: ترسانیدن، بی‌جرات کردن، ترس، جبن، وحشت‌زدگی، بی‌میلی، بیم، وحشت، ترسیدن (از).

۶ - ماجور: (صفت) [عربی] [قدیمی] اجر داده‌شده؛ کسی که اجر و مزد گرفته است.

۷ - فرازهایی از عرفان مولانا: مراحل تربیت و کمال: گندمی را زیر خاک انداختند

بار دیگر کوفتندش ز آسیا

باز نان را زیر دندان کوفتند

باز آن جان چونکه محو عشق گشت

پس ز خاکش خوشه‌ها بر ساختند

قیمتش افزود و نان شد جانفزا

گشت عقل و جان و فهم هوشمند

« یعجب الزراع » آمد بعد کشت.

۸ - لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ. که ما انسان را به حقیقت در رنج و مشقت آفریدیم (و به بلا و محنتش آرمودیم). (بلد، ۴)

نسبت درستی با رنج از طریق ظرفیت عقل برقرار کنیم؛ بدون تردید به موفقیت‌ها و کامیابی‌های بزرگی می‌رسیم. دنیای امروز، با تکیه بر ابزار پیچیده تکنولوژی (شاید هم خیرخواهانه) یکی از ادعاهایش این است که ما رنج را برای انسان آسان می‌کنیم و او را از حصار پیچ و تاب رنج‌ها نجات می‌دهیم؛ یک رفاه خاصی را هم برای انسان تقدیم کرده است. ولی به هیچ وجه نتوانسته رنج و ابعاد آن را کاهش بدهد. بلکه وقتی رنج‌های طبیعی را ما نمی‌کشیم؛ رنج‌های بی‌معنایی و بی‌هویتی و افسردگی‌ها به سراغ ما می‌آید. بشر امروز توانسته است رنج را به تعویق بیندازد؛ اما چند برابرش کرده است و نتوانسته آنرا از بین ببرد. به همین دلیل بشر امروز داناتر است؛ تواناتر است اما آرام‌تر نیست. راحت‌تر نیست. آسایش دارد اما آرامش ندارد.

۵- تمایز صبر و شکر

صبر با منطق و استدلال و حکمت خدا به حوادث ناگوار نگریستن است. صبر عملاً احتمال خوبی و خیر در ناکامی‌ها و دشواری‌ها و محرومیت دادن است. به واقع یک منطقی بزرگ‌تر از منطق برخورد است. اگر من به فیلمنامه‌ای نگاه کنم که آن فیلمنامه توسط یک فیلمنامه نویس قهار و توانمندی نوشته شده است ای بسا مواجهه‌ام را برای اتفاقی که برای من می‌افتد تغییر دهم. به واقع آدم‌های صبور یا صابر، آدم‌هایی هستند که از حادثه‌ها بزرگ‌تر فکر می‌کنند؛ صبر به واقع این است که شما احتمال مهمتری بدهید؛ اگر حادثه‌ای پیش آمد بگویید در آن خیر است؛ و شکر آن جایی است که به آن خیر هم توجه می‌کنید. در صبر به اجمال می‌دانیم که بلای پیش آمده چندان هم ناگوار نیست. به همین دلیل با ظرفیت مواجه می‌شویم. در شکر ابعاد گوارایی حوادث، به حسب ظاهر تلخ را هم متوجه می‌شویم. همان که مولوی می‌گوید:

مات اویم، مات اویم، مات او

در بلا هم می‌چشم لذات او

به واقع یک ذائقه و قدرت تحلیلی پیدا کرده است که بر اساس آن می‌تواند به وجوه زیبایی که وجود دارند که انسان در اثر ناشکیبایی‌ها آن وجوه را اصلاً احتمال نمی‌دهد تا بخواند ببیند؛ اما به آن وجوه زیبایی پی می‌برد و توجه می‌کند؛ شکر است، به همین دلیل در روایات است که وقتی پیامبر خدا(ص)، خبر شهادت امیرالمومنین(ع) را به ایشان دادند که شما در ماه رمضان شهید می‌شوید و محاسنت با خون سرت خضاب خواهد شد. بعد سؤال پرسیدند که یا ابوتراب! اینجا آیا صبر خواهید کرد؟ امیرالمومنین(ع)، (به پیامبر خدا) عرض کردند: اینجا من شکر می‌کنم.^۱ در اینجا صبر مرحله‌ای است که پشت سر گذاشته‌ایم و رسیده‌ایم به اینکه گرچه می‌گفت: که زارت بکشم می‌دیدم که نهانش نظری با من دلسوخته بود. به هر حال، بعد از شکر مرتبه بعدی قرب است. قرآن مجید می‌فرماید: و از بندگان من عدّه قلیلی شکرگزارند.^۲ قرآن می‌فرماید: همراه گرفتاری‌ها، گشایش داریم^۳ تعبیر دیگر در قرآن: بعد از گرفتاری‌ها خدا گشایش‌ها را می‌آورد.^۴ بعد از طوفان‌ها، آرامش‌ها را می‌آورد. همراه با سختی‌ها و درون طوفان‌ها، خیر و برکت قرار داده است. درون بلاها، درون گرفتاری‌ها، این فقط از عهده خدا برمی‌آید به همین خاطر کسانی که این باور را پیدا می‌کنند که صبوری و شکیبایی حرف خطاب خدا را فهمیدن است و زندگی‌های بهتر و شیرین‌تری هم دارند و گواراتر و دلنشین‌تر زندگی می‌کنند.

۱ - هذه من مواضع الشکر .

۲ - وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِ الشُّكْرِ، (سبا، ۱۳).

۳ - فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا . (شرح، ۵).

۴ - سَيَجْعَلُ اللَّهُ لَكُمْ خُرُوجًا مِّنْهَا وَسَيَجْعَلُ اللَّهُ لَكُمْ خُرُوجًا مِّنْهَا وَسَيَجْعَلُ اللَّهُ لَكُمْ خُرُوجًا مِّنْهَا . (طلاق، ۷).

۶- چگونه می توان صبر و شکر داشت

صبر و شکر دو شجره طیبه و پرثمری هستند که در زمینه احساس خوب و احساس مثبت و حال خوب اصطلاحاً اینها می‌توانند بارور شوند و ثمر بدهند. مدیران، کارگزاران و هرکسی که در حوزه تمایلات مردم می‌تواند نقش و سهمی داشته باشد که مردم حالشان خوب شود. اینکه فشارها، گرفتاری‌ها، احساس تبعیض، احساس اینکه ممکن است فریادری نباشد و اینکه کسی نمی‌تواند داد خود را بگیرد و عدالت‌ورزی جدی نباشد؛ این حال مردم وقتی خوب نباشد؛ طبیعتاً برای صبر و شکر هم بی‌حوصلگی می‌کنند. به واقع صبر زمینه‌اش این است که بسیاری از مشکلاتی که قابل برطرف شدن است برطرف شوند. به نظر من این مقدمه خیلی مهمی است. اینکه به لحاظ عمومی مثلاً معیشت مردم، معیشت پیچیده و سختی نباشد؛ برای تامین امکانات، آب و خوراک لازم نباشد یک شخصی یا یک تعدادی، این همه خود را به زحمت بیندازند. چند نفر کار کنند تا بخواهد یک خانواده‌ای سرپا باشد. مسئله صبر و شکر با بهره‌مندی انسان‌ها از امکانات حداقلی رابطه‌ای دارد. این خیلی چیز مهمی است؛ اگر مردم یا حتی خانواده خود ما ببینند، که ما تلاشمان را به نحو احسن انجام می‌دهیم؛ و به نتیجه نرسیدیم آن‌وقت چندان گلایه‌مند نخواهند بود و نیستند. اما اگر این را احساس نکنند ممکن است صبر و شکر برای آنها خیلی مفهوم نباشد و با آن رابطه برقرار نکنند.

۷- ایام ... و صبر و شکر چه نسبتی با هم دارند؟

ما مسافر و مهاجر خداییم و روزهای خدایی روزهایی است که می‌تواند ما را به سمت خدا روان‌تر کند و روح هجرت و حرکت را بیشتر به ما دهد. ایام ... روزهایی است که انسان عهد خودش را با خدا گویا یادآوری می‌کند و عازم‌تر می‌شود. بعضی از روزها مثل شهادت حاج قاسم سلیمانی، جزء ایام ... است. چون ما اکثراً مثل اینکه به یک فیض و به لزوم یک حرکت یا بریدن از یک دنیای پوچ و بی‌ثمر و به کندن از این دنیا بیشتر واقف و عازم می‌شویم که در قرآن می‌فرماید و ایام ... را به یاد قوم خود بیاور.^۱ یک وجه آن همین است. و صبار و شکور بودن اتفاقاً از این منظر است که ما روزهایی را داریم که خدا فراخوان عمومی می‌دهد و امکان بازگشت را فراهم می‌کند.

۸- رسانه چگونه صبر و شکر را نمایش دهد؟

به نمایش کشاندن آدم‌هایی که از رهگذر صبر به ظفرها و پیروزی‌ها رسیده‌اند؛ در اطراف ما آدم‌های متفاوتی زندگی می‌کنند بعضی‌ها شکیبیا و بعضی ناشکیبیا هستند زندگی آدم‌های شکیبیا در مباحث خانوادگی، در مباحث کاری، در مباحث علمی، در مباحث اقتصادی، اینها پیگیری بشود؛ معلوم می‌شود که چقدر صبر در موفقیت موثر است. با وجودی که رسانه می‌تواند در تحقق صبر و شکر عمل کند به نظر می‌رسد خود حوصله‌مندی، خود لحن و ادبیات خود رسانه مهم است. رسانه گاهی اوقات منتقدین را دعوت کنند و راجع به نقطه نظرات آنها، با آنها حرف بزنند و این به سمع و نظر مردم برسد. به نظرم این خودش کمک می‌کند. عملاً آموزش صبوری و شاکری می‌دهد. نکته دیگر که رسانه می‌تواند راجع به این مسئله خدمتی کند؛ ساختن سریال‌ها و فیلم‌هایی است که بتواند این مفهوم را منتقل کند. کلید واژه‌های صبر، شکر، خدمتگذاری، مهربانی، بخشش، اینها باید موضوع سریال‌ها و برنامه‌های مذهبی جذاب قرار بگیرد.

۱ - و ذکرهم بایام الله ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور. و ایام الله را به یاد قوم خود بیاور. و در این‌ها نشانه‌هایی است برای هر انسان بسیار شکیبیا و شکرگزار. (سوره ابراهیم - آیه ۵)

□ کلام آخر

صبر و شکر دو بال در حال به هم خوردنی است که می‌توانند پیکر شخص و جامعه را به اوج ببرند. این دو مفهوم کاملاً مفاهیم دینامیک، جوشان و پرتنین و انگیزه برانگیزی هستند. صبر و شکر دو مفهوم جریان‌ساز است و در مفهوم‌شان به نوعی فهم، تحرک و ادراک بالا نهفته است. به همین خاطر صبر و شکر از انفعال و درونگرایی و تحلیل‌های ذهنی، شخص و جامعه را خارج می‌کند و کاملاً او را در موضع کنشگری و کاملاً در موضع تغییر مناسبات و در موضع درک روشن و دقیق‌تر از شرایط پیرامونی‌اش می‌گذارد. طبیعتاً صبر و شکر می‌توانند موتور محرک فهم جامعه به سمت تعالی مد نظرش باشد.

اتفاقات و حوادثی مثل سیل و زلزله و بیماری اخیر یعنی ویروس کرونا فرصتی است که از چند منظر این حوادث را ببینیم.

۱- جانخوردن و بزرگ نکردن این اتفاق

۲- وظیفه اجتماعی در مواجهه با پدیده کروناویروس: عده ای بیمار می‌شوند. در اینجا صبر به معنای نصرت و کمک به آنها و زمینه سازی برای آنها برای سپری شدن این بیماری است.

* عده ای آن‌را مثل مردار می‌بینند و به تعبیر امیرالمومنین علی (ع) آن‌را طعمه می‌بینند و گفتاروار بر اساس سود و بهره فردی خود به محروم کردن دیگران از امکانات بهداشتی و وسایل مورد نیاز رو می‌آورند که نقطه مقابل صبر است و با منطق غیر خدادیدن، انسان واژگون و ناشکیبا را به چنین جمع بندی‌های میدانی می‌رساند.